Journal of Islamic Human Rights
Volum 2, Consecutive Number 1, 2025
Journal Homepage: https://islamichumanrights.ir/
This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



The Right to Guidance: Looking at Islam, International documents and domestic Laws of Iran and France

Seyed Mohammad Saeid Taheri Moosavi
Assisten Prof University of Religions and Denominations sms.tm1975@gmail.com

Abstract

In the modern post-World War II cultural framework, efforts are consistently made to marginalize divine religions or replace them with anthropocentrism (humanism). Given that a vast portion of the world remains religiously oriented, this fundamental question arises: Is the act of guiding humanity toward divine religions by spiritual leaders (prophets and clergy) considered an inalienable right, or, as promoted by secular and laïc cultural systems, is this right denied based on the principle that religious beliefs and inclinations are strictly a private, individual matter? By examining the political structures and cultural legal frameworks of the secular/laïc society of France and the religious society of Iran, one can conclude that the principle of "guidance" is not only legitimate but considered essential—and even mandatory—in both societies. This is because its ultimate objective is to safeguard human freedom in choosing the correct material and spiritual path. This necessity is provable not only through religious (Shar'i) and rational (Aqli) reasoning but is also corroborated by international legal documents and the statutory laws of most nations. Based on the legislation of the two countries under study in this article—conducted through library-based, descriptive-analytical, and comparative methodologies—it is demonstrated that the right to guidance is explicitly or implicitly recognized and legitimized within these legal systems.

Keywords: Human-centeredness, invitation and preaching, secularism, laicism, religious system, religious guidance

- Taheri Moosavi, S M S. (2025). The Right to Guidance: Looking at Islam, International Documents and Domestic Laws of Iran and France, *Journal of Islamic Human Rights*, 2(1), 1-25.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

مجله حقوق بشر اسلامی
دورۀ دوم ـ شمارۀ اول ـ ۱۴۰۴
صفحات ۱-۲۵ (مقاله پژوهشی)
تاریخ: دریافت ۱۴۰۴/۰۲/۲۲ـ پذیرش ۱۴۰۴/۰۵/۰۱ ـ انتشار ۱۴۰۴/۰۶/۰۸

حق بر هدایت با نگاهی به اسلام، اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی ایران و فرانسه

سید محمد سعید طاهری موسوی

استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب، ایران. sms.tm1975@gmail.com

چکیده

در نظام نوین فرهنگی پسا جنگ جهانی دوم، تلاش می‌شود تا ادیان الهی به حاشیه رانده شده و یا آن‌ها را با «انسان‌محوری» (اومانیسم) جایگزین نمایند. با فرض دین‌گرایی بخش عظیمی از جهان، این سؤال مطرح می‌باشد که آیا گرایش به هدایت انسان‌ها به سمت ادیان الهی توسط هدایت‌گران (پیامبران و روحانیون) حق مسلم تلقی می‌شود یا همان‌طوری که در نظام‌های فرهنگی سکولاریسم و لائیسیته ترویج می‌شود، با اتکای به اصل «فردی بودن» اعتقادات و گرایشات مذهبی چنین حقی به رسمیت شناخته نمی‌شود؟ با بررسی ساختار سیاسی و حقوق فرهنگی جامعه لائیک و سکولار فرانسه و جامعه دینی ایران، می‌توان نتیجه گرفت که اصل هدایت‌گری در هر دو جامعه مشروع بلکه ضروری و حتی واجب انگاشته می‌شود، چرا که هدف از آن تضمین آزادی انسان در انتخاب مسیر صحیح مادی و معنوی است. این ضرورت نه‌تنها شرعاً و عقلاً قابل اثبات است، بلکه اسناد حقوقی بین‌المللی و متون قانونی غالب کشورها نیز بر آن صحه می‌گذارند. بر مبنای قوانین دو کشور مورد مطالعه این مقاله، که با روش کتابخانه‌ای و توصیفی ـ تحلیلی و تطبیقی انجام شده است، این ضرورت قابل اثبات بوده تا حدی که صریحاً یا تلویحاً بر حق بر هدایت تأکید و مشروعیت آن پذیرفته شده است.

کلیدواژه: انسان‌محوری، سکولاریسم، لائیسیته، نظام دین‌گرا، هدایت دینی

– طاهری موسوی، سید محمد سعید. (۱۴۰۴). حق بر هدایت با نگاهی به اسلام، اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی ایران و فرانسه، مجله حقوق بشر اسلامی، ۲(۱)، صفحات ۱-۲۵.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

مقدمه

در گذر تاریخ دین‌گرایان و ضد دین‌گرایان همیشه در تقابل بوده و بسیاری از خونبارترین جنگ‌های تاریخی را رقم زده‌اند، گرچه بسیاری دیگر از جنگ‌های خونین نیز حاصل تعارض معتقدین به ادیان آسمانی در مقابل هم بوده است، ازجمله: جنگ‌های صلیبی، جنگ‌های مذهبی غرب و ... جنگ‌های مقدس، انکیزیسیون کلیسائی و جنگ‌های منتهی به نسل‌کشی دینی و ... همگی ریشه در تقابل درون یا برون‌دینی دارند. بهمین جهت است که نظام‌های حقوق سکولار و لائیک با شعار «جدایی دین از دولت» (لائیسیته) یا حتی «جدایی دین از جامعه» (لائیسیسم) با گرایشات کم و بیش جزمی، و در اصل برای مقابله با گسترش خصومت‌های دینی مورد استقبال اولیه قرار گرفتند. امروزه، ظهور اسلام به‌عنوان دینی ذاتاً سیاسی برخوردار از نظام جامع اجتماعی، باعث شکل‌گیری چالش جدیدی برای جوامع دارای اقلیت مسلمان‌شده که در نهایت بعضاً به سیاست‌های منع یا محدودیت تبلیغ مذهبی در جهان غرب هدایت کرده است. در جهان اسلام نیز منع تبلیغ مذهبی ادیان غیراسلامی در برخی جوامع به شدت تعقیب می‌شود. با این وجود، با فرض حقانیت یکی از ادیان موجود و یکی از مذاهب اسلامی حاکم بر کشورهای اسلامی، این سؤال مطرح است که آیا تبلیغ دینی و هدایت افراد به سمت یکی از ادیان و مذاهب می‌تواند دارای حجت شرعی و عقلی باشد؟ یا اینکه اساساً نباید به حریم اعتقادی و عقیدتی افراد دیگر ورود کرده و آنان را در محیط فکری و عقیدتی خود مطلقاً آزاد و رها ساخت؟

حاصل چنین رویکردی که باعث افول تدریجی اعتقادات مذهبی حقیقی است، می‌تواند در دو بعد فردی و اجتماعی ویرانگر باشد، چنان‌که جامعه‌شناسان مستقل غربی بر سقوط اخلاقی و اجتماعی تدریجی غرب که حاصل دین‌زدایی قرون گذشته است صحه گذاشته‌اند (Bénéton, 2017)، جایگزینی دین با یک بینش انسان‌محورانه بوده که در زمانی تحت عنوان سوسیالیسم یا لیبرالیسم و امروزه اغلب در قالب سکولاریسم، لائیسیته و حتی لائیسیسم ظهور یافته باعث سقوط جوامع می‌شود، زیرا هر بینش غیرالهی معایب خود را داشته و نخواهد توانست ایدئال رستگاری همه‌جانبه بشر را تضمین نماید. در برخی جوامع غربی مانند فرانسه از پذیرش اصل آزادی مذهبی و پوشش متناسب با آن در جامعه نیز طفره می‌روند، و خواستار محدودیت‌های پوششی برای دین‌گرایان حتی در بخش‌های عمومی جامعه می‌باشند. این گروه معتقد در تعارض دوگانه‌ای قرار دارند، از طرفی حق بر «آزادی مذهبی»

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

را به رسمیت می‌شناسند که لازمه آن جستجوگری و تحقیق دینی است، اما از طرفی دیگر برای «تبلیغ دینی» که همان حق بر هدایت است، محدودیت‌های غیر موجهی قائل می‌شوند. بررسی علل چنین گرایش و نیز ادله ضرورت برسمیت شناختن حق بر هدایت در اسلام، اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی دو کشور محل مبحث موضوع اصلی این مقاله است که با رویکرد علمی ـ پژوهشی مورد مداقه قرار می‌گیرد.

۱. پیشینه پژوهش

در مورد عنوان «حق بر هدایت» و واژگان نزدیک مانند «حق بر تبلیغ مذهبی»، مقالهٔ علمی‌پژوهشی قابل ذکری یافت نشد، و حتی مقاله‌های ترویجی و روزنامه‌ای در این زمینه فراوان نیستند، اما در زمینه کلی موضوع می‌توان به کتاب «آزادی مذهبی در فرانسه و ایران: یک مقایسه» (بابلی یزدی، ۲۰۰۵: ۲۰) و «تبلیغ مذهبی: آوانگاردهای جدید مذهبی» (فاتوئس و لاکیلی، ۲۰۱۹: ۳۵) اشاره کرد.

۲. روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و روش پژوهش به صورت تحلیلی ـ توصیفی و تطبیقی است تا با مطالعه اسناد بین‌المللی و قوانین کشورهای ایران و فرانسه بررسی شود.

۳. یافته‌های پژوهش

حق بر هدایت در قالب‌های مختلفی مانند حق بر تحقیق دینی، حق بر آزادی مذهب و تبلیغ مذهبی (Prosélytisme) و ... در ابعاد مثبت و منفی مورد توجه حقوق بین‌المللی و داخلی بسیاری از کشورها قرار گرفته و مشروعیت آن به خصوص در بعد علمی و مثبت پذیرفته شده است، گرچه در برخی کشورها قوانین متعارض با آن تصویب یا در قالب بخشنامه‌های دولتی اجرا می‌شوند. لذا در اصل پذیرش این حق و تأیید آن‌ها در قوانین تردیدی نیست، اشکال در کیفیت تضمین این حق در قوانین کشورهاست که دارای چالش‌های زیادی می‌باشد.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

٤. تعریف حق بر هدایت

حق بر هدایت یا ارشاد با واژگان «حق بر دعوت»، «حق بر هدایت‌گری»، «حق بر تبلیغ» و یا «حق بر راهنمایی» همردیف بوده یا مکمل آن‌هاست، گرچه واژه هدایت مستقلاً شامل نتیجه پروسه‌ای است که از جستجوی حقیقت توسط یک فرد یا گروه معین آغاز شده و در نهایت به انتخاب یک سبک دینی و مذهبی خاص منجر می‌شود. در اسلام دعوت به حق و حقانیت اسلام در مورد پیامبران، امامان و صاحبان علم و معرفت واجب است (یوسف، ۱۲، ۱۰۸)، در جنگ‌ها پیش از آغاز هر جنگی نیز واجب (محقق حلی، ۲۲۹ ق: ۳۹۲) و در مواردی می‌تواند مستحب و البته تحت شرایطی نیز ممنوع است (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۴۰۲). بر این مبنا، امر به معروف و نهی از منکر در مواردی واجب و در مواردی ممنوع به حساب می‌آید (پاکتچی، ۱۳۹۸: ۱۵۴) و (منتظری، ۱۴۰۸: ۱۱۲). در زبان فرانسه نیز واژگان متعددی برای اصل هدایت وجود دارد که بعضاً دارای بار منفی و بعضاً نیز خنثی یا دارای بار مثبت می‌باشند. واژه «تبلیغ» در قالب Prosélytisme به معنای «تبلیغ دینی» دارای بار منفی است و در جامعه لائیک فرانسه طبق قانون ممنوع تلقی شده است[۱]، اما در قالب *Prêches religieux* به معنای «دعوت دینی» یا در قالب *Enseignement religieux* به معنای «آموزش دینی»، دارای باز مثبت و مورد تأیید است. «کنوانسیون اروپائی حقوق بشر»، تبلیغ دینی را در محیط عمومی[۲] (ظاهراً غیر از مدارس و اماکن مرتبط با خدمات عمومی[۳]) مورد تأیید قرار داده است[۴]. تفاوت دو واژه اول و دوم در تبلیغ تحمیلی دین به افراد زیر سن بلوغ و تشویق افراد بالای سن بلوغ به پذیرش یک دین باز می‌گردد (Janjar, 2013). لذا دعوت به یک دین در غرب آزاد اما تلاش برای تحمیل یک دین به دیگران ممنوع تلقی می‌شود، در حالی که تلاش برای آموزش دینی در اسلام از همان سن کودکی بسیار توصیه شده است (مقدسی‌پور، ۱۳۸۹).

---

۱. نک: ماده L141-5-2 قانون آموزشی فرانسه، اصلاحی ۷ آوریل ۲۰۲۵: «دولت از آزادی وجدان دانش‌آموزان حمایت می‌کند. رفتارهایی که بر باورهای دانش‌آموزان فشار وارد می‌کند یا تلاش برای تلقین از این موارد در مدارس دولتی و مؤسسات آموزشی دولتی محلی، اطراف آن‌ها و در طول هرگونه فعالیت مرتبط با تدریس ممنوع است. عدم رعایت این ممنوعیت با جریمه‌ای که برای جرم‌های درجه پنجم در نظر گرفته شده است برای تخلف از این قانون تعیین شده است».

2. Espace public

3. Service public

۴. مطابق ماده ۹: «آزادی بیان دین یا عقیده خود، به صورت فردی یا جمعی، عمومی یا خصوصی، در عبادت، تدریس، عمل و اعمال (دعوت به عمل دیگران)».

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

بدین‌ترتیب، در صورتی که اصل دعوت و تبلیغ پیامبران الهی پذیرفته شود، طبعاً اصل هدایت و راهنمایی دیگران به دین و به‌طورکلی به حقیقت باید مورد پذیرش قرار گیرد، چرا که این دو به یکدیگر وابسته و بنوعی لازم و ملزوم یکدیگراند. البته تحمیل رأی و عقیده به دیگران در اسلام نیز به حکم آیات قرآنی ممنوع می‌باشد، آنجا که آمده است: «لَا إِكْرَاهَ فِی الدِّینِ» (بقره، ۲، ۲۵۶). با این حال، در اسلام به لحاظ فقهی ترک اسلام در قالب «ارتداد» نیز ممنوع است و علی‌رغم اختلاف نظر در کیفیت احکام مربوط به آن، خروج از دین نزد تمام فرق اسلامی ممنوع است، گرچه در مورد مجازات دنیوی مرتدین میان فقها اختلاف نظر وجود دارد و برخی عقاب دنیوی مرتد را نپذیرفته‌اند[۱]. البته این بحث بسیار جدالی است، مثلاً ممکن است خروج از اسلام منوط باشد به پذیرش انتخابی اسلام پس از سن بلوغ، چرا که فقها اصولاً شرط تحقق ارتداد را عقل، بلوغ و اختیار دانسته‌اند (شهیدثانی، ۱۳۷۱: ۴)، و به‌خصوص اینکه از نظر فقها، اسلام کودک (با پذیرش تفاوت بین کودک ممیز و غیرممیز) قابل پذیرش نیست و فقط حکم طهارت بر کودکی پذیرفته می‌شود که پدرش مسلمان است (نجفی، ۱۳۶۲: ۶۱۰-۶۰۹). بنابراین، شاید بتوان استدلال کرد که خروج از اسلام در صورتی موجب ارتداد است که پذیرش آن نیز از روی اختیار و عقل و در سن بلوغ صورت گرفته باشد و شهادتین اختیاراً جاری شده باشد. لذا آغاز آموزش اسلام به کودکان اگر یک امر مستحبی باشد، برای جوانان یک تکلیف بر عهده اولیای شرعی و قانونی و یک حق برای آن‌هاست.

در این مقاله، بعد از بررسی حق بر هدایت در اسلام، به بررسی این حق در اسناد حقوقی بین‌المللی و حقوق داخلی دو کشور ایران و فرانسه خواهیم پرداخت.

حق بر هدایت در اسلام

اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین بشری (مائده، ۳، ۵)[۲] داعیه جهانی شدن داشته (فرقان، ۲۵، ۱)[۳] و بر این اساس طبیعی است که تلاش کند دیگران را به این دین کامل دعوت نماید.

---

۱. فتوای حضرت آیت‌الله العظمی حکیم در باب ارتداد، سایت شفقنا، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۷، بازبینی شده در ۲۰ فروردین ۱۴۰۴.

۲. «الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلَامَ دِینًا».

۳. «تَبَارَکَ الَّذِی نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَی عَبْدِهِ لِیَکُونَ لِلْعَالَمِینَ نَذِیرًا».

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

در آیات متعددی از قرآن کریم بر دو اصل ضرورت ارسال رسل و هدایت انسان‌ها توسط پیامبران (تبشیر و انذار) به‌عنوان مهمترین رسالت آنان تأکید شده است.

۱. حق بر هدایت در قرآن کریم

آیه ۱۱۹ سوره بقره خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا»، ما تو را بحق فرستادیم، تا بشارتگر و بیم‌دهنده باشی. بر این مبنا، خداوند پیامبرانش را برای هدایت و انذار انسان‌ها از آتش دوزخ و بشارت آن‌ها به بهشت برین ارسال فرموده است تا رسالت اصلی آن‌ها را هدابت مردم تعریف نماید. در آیه ۱۰۸ سوره یوسف نیز پیامبر (ص) تکلیف خویش مبنی بر دعوت مردم به سمت خداوند را یادآوری می‌فرماید. در طرف دیگر چنین حقی بر خداوند و تکلیفی بر پیامبران حق بر هدایت برای انسان‌ها نهفته است. لذاست که خداوند در آیه ۱۶۵ سوره نساء در باب ضرورت ارسال رسل و هدایت انسان‌ها می‌فرماید: «رُّسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»، مطابق این آیه کریمه در صورتی که پیامبری وجود نداشت، انسان به آسانی می‌توانست در مقابل خداوند احتجاج کرده و از عدم ارسال رسل شکایت نماید. لذا قرآن کریم بر هدایت انسان تأکید و رفتار انسان در قبال این هدایت را پذیرش (شاکر) یا رد آن (کفورا) معرفی می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان، ۷۶، ۳). از این آیات کریمه و سایر آیات نتیجه می‌گیریم انسان دارای حق بر هدایت بوده و در صورت فقدان چنین هدایتی می‌توانست نظام هدایت الهی را زیر سؤال ببرد.

۲. قواعد اسلامی موکد حق بر هدایت

در حقوق اسلامی اصول و قواعد فراوانی بر حق بر هدایت انسان‌ها تأکید دارند که مهمترین آن‌ها عبارتند از: قاعده دعوت به اسلام (قاعده تبلیغ)، اصول دوگانه امر به معروف و نهی از منکر و اصل مسئولیت.

۱-۲. قاعده دعوت و تبلیغ

این قاعده از آیات متعددی از قرآن کریم قابل استفاده است. مطابق آیه ۱۲۶ سوره نحل: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»، هدایت به راه حقیقت (اسلام) از طرق

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

صحیح و به جا تکلیف همه انسان‌ها به حساب می‌آید. قاعده «دعوت به اسلام» که بعد از ظهور اسلام توسط پیامبر اکرم (ص) به تدریج عالمگیر شده است (انبیاء، ۲۱، ۱۰۷)، در جنگ‌ها جزو واجبات جنگ به حساب می‌آید، به نحوی که قبل از جنگ با کفار دعوت آنان به اسلام واجب می‌باشد و حضرت پیامبر (ص) همواره به سفیران و فرستادگان خود تأکید می‌کرد که پیش از هر چیزی مردم را به اسلام دعوت کنند و با آنان از سر جنگ وارد نشوند (احمدی میانجی، ۱۳۶۳: ۲۳). همچنان‌که در دائرةالمعارف اسلامی در مورد ماده «دعوت» آمده است، کاربرد واژگان در قرآن اغلب فعلی و گاه مصدری است، اما در ۳ جای قرآن از اسم فاعل در ترکیب «داعی الله» یا «داعی الی الله» برای صاحب دعوت استفاده شده است (احقاف / ۴۶ / ۳۱، ۳۲؛ احزاب / ۳۳ / ۴۶) (پاکتچی و مرادی، ۱۳۹۸: ۲۰۴).

«تبلیغ» نیز که معادل واژه «دعوت» شمرده شده (خندان، ۱۳۷۴: ۱۷)، عبارت است از: تقدیم حکیمانه اطلاعات دقیق و مستند به مخاطب با ابزار علمی و اخلاقی جهت اقناع او به یک امر یا حقیقت مشخص یا منع او از یک اعتقاد. مهمترین بعد تبلیغ، همان بعد دینی (تبلیغ اسلام) به بهترین روش در میان اقوام دیگر است که مکررا مورد تأکید قرآن کریم بوده است (مائده، ۵، ۹۲؛ رعد، ۱۳، ۴۰ و ...). گرچه واژه تبلیغ به این شکل در قرآن استعمال نشده است، اما صورت‌های مختلف از ریشه «بلغ» ۵۱ بار به صیغه‌های فعلی یا اسمی و ۵ بار به صورت باب افعال آن و ۱۵ بار در شکل واژه بَلاغ، غالباً به معنای تبلیغ و ابلاغ به‌عنوان وظیفه پیامبران تکرار شده است (عبدالباقی، ۱۹۳۹: ۵۶). ضرورت دعوت به اسلام و تبلیغ دین به بهترین روش ممکن علاوه بر الزام دینی، یک قاعده عقلی نیز می‌باشد، چرا که طبق قاعده «قبح عقاب بلا بیان»، استخراج از آیه ۱۵ سوره اسراء، در صورتی وجود بهشت و جهنم قابل دفاع است که پیام دعوت الهی به اسلام به همگان رسیده باشد، و لذا هر بی‌اطلاعی فاقد مسئولیت می‌باشد (محقق داماد، ۱۳۹۳: ۳۴).

۲-۲. امر به معروف و نهی از منکر

در آیه کریمه ۱۱۰ سوره آل عمران، امت اسلامی را به این جهت که به خدا ایمان داشته، به معروف امر کرده و از منکر نهی می‌نمایند، بهترین امت تاریخ معرفی کرده است: «كُنتُمْ خَيْرَ أمَّةٍ أخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ». بی‌شک در جامعه‌ای که مردم در قبال یکدیگر احساس مسئولیت داشته و تلاش می‌کنند نسبت به بروز خیر و شر

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

در جامعه بی‌تفاوت نباشند، زشتی و پلیدی جایی نخواهد داشت، در صورتی که قاعده «دعوت به حق» (هدایت) فراگیر بوده و از روی علم به شرایط آن انجام پذیرد. مصادیق امر به معروف و نهی از منکر بسیار گسترده بوده و شامل تمام سطوح جامعه می‌شود ولی اهم آن مسئولیت متقابل دولت و مردم در قبال یکدیگر در اجرای دقیق این دو فرمان واجب الهی است[1]. امر به معروف و نهی از منکر مهم‌ترین اصل قرآنی برای هدایت جامعه در مسیر صالح است، چرا که تأکید مکرر قرآن کریم و روایات بوده و اصل ضامن برتری اسلام بر ادیان دیگر به شمار می‌آید. در اینباره امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «وَ ما أعمالُ البرِّ کُلُّها وَ الجِهادُ فی سَبیلِ اللّه عِندَ الامرِ بِالمَعرُوفِ وَ النَّهیِ عَنِ المُنکَرِ إلاّ کَنَفثَةٍ فی بَحرٍ لُجِّیٍّ»، همه کارهای خوب و (حتی) جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره‌ای است در دریای عمیق (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴). بدین جهت فقهای شیعه، امر به معروف و نهی از منکر را دو واجب از فروع دین در نظر گرفته‌اند و انجام آن را با رعایت شرایطی جزو واجبات شرعی فردی و اجتماعی تلقی کرده‌اند (پاکتچی و جابری، ۱۳۸۰: ۲۰۴).

۳-۲. قاعده مسئولیت

طبق حدیث شریف نبوی (ص) که فرمود: « کُلُّکُمْ راعٍ، وکُلُّکُمْ مسئولٌ عنْ رعیَّتِه ...» (مجلسی، ۱۹۸۳: ۳۸)، هر کدام از شما مسئول هستید و درباره افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند بازخواست خواهید شد، حاکمان در مقابل مردمی که آن‌ها را سرپرستی می‌کنند، مسئول می‌باشند تا ابزار سعادت و رستگاری دنیوی و اخروی آن‌ها را فراهم کنند (رشاد، ۱۴۰۱: ۶۸). مطابق این حدیث، این مسئولیت شامل حال تمام اعضای امت می‌شود، چرا که مسئولیت حاکم در مقابل امت و مسئولیت مرد در قبال خانواده در هدایت آن‌ها به سمت حقیقت (اسلام) و دوری آن‌ها از آتش (تحریم، ۶) را شامل می‌شود. این به این معناست که در جامعه هم حکومت تکلیف دارد که مردم را به سمت رستگاری و سعادت هدایت کند و هم مرد خانواده که رئیس خانواده است و بانوی خانواده که تربیت فرزندان به عهده اوست، تکلیف دارند تا خانواده خود را به سمت خداوند و اسلام هدایت نماید

۱. پیامبر اکرم (ص): «أفضَلُ الجِهادُ کَلِمَةُ عَدلٍ عِندَ إمامٍ جائرٍ، أفضَلُ الجِهادِ کَلِمَةُ حُکمٍ عِندَ إمامٍ جائرٍ»، برترین جهاد، سخن عادلانه در برابر پیشوایی ستمگر است. برترین جهاد سخن حق در برابر پیشوای ستمگر است (کنزالعمال، ح ۵۵۷۶).

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

(سبزواری، ۱۳۷۱: ۱۸۴). بی‌شک، چنینی دستوری برای مسئول دانستن حاکمان و افراد در هدایت اعضای تحت سرپرستی خود به سوی اسلام برای طرف مقابل حق بر هدایت را تضمین می‌نماید.

۳. شرایط اعمال حق بر هدایت

آنچه در قاعده حق بر هدایت اهمیت دارد، شرایط و شیوه اجرای این حق است که بر مبنای قرآن کریم، باید بر مبنای حکمت و موعظه حسنه و روش احسن صورت گیرد (نحل، ۱۶، ۲۵) تا آثار مثبت آن بر جامعه گسترانیده شود. لذا حق بر هدایت هم دارای مراتبی است و هم دارای شرایطی. ائمه معصومین (ع) در بسیاری از گفتارهای خود به شروط دعوت به خیر و منع از شر اشاره فرموده‌اند که در حقیقت تفسیر و تبیین بسیاری از آیات قرآن کریم می‌باشد. در کلامی از امام علی (ع) در نهج‌البلاغه شرایط افرادی که حق بر هدایت را عمل می‌کنند آمده است و در آنجا سخن از کسانی است که از چنین حقی برخوردار نیستند اما تلاش می‌کنند آن را به کار برند، شاید با اهداف شخصی و شیطانی:

- کسانی که روحیه خشن داشته و فاقد توان بروز احساسات عاطفی یا تعامل اجتماعی‌اند،
- انسان‌های پَست و برده‌صفت که چشم‌بسته به هر فرمانی، تن می‌دهند و از کرامت بهره‌ای ندارند،
- کسانی که فاقد درک اجتماعی و فرهنگی و شناخت لازم از فرهنگ‌ها و جوامع نقاط مختلف امت هستند،
- کسانی که فهم‌شان از دین سطحی است و خود هنوز به شناخت عمیقی از اسلام نرسیده‌اند،
- افراد بی‌ادب و بی‌فرهنگ که خود نیازمند ادب و شناخت فرهنگ اسلامی هستند،
- کسانی که سواد لازم را نداشته و علم و دانش مربوط را تحصیل نکرده‌اند،
- افراد بی‌تجربه (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۳۹).

بدین‌ترتیب، از مجموع آموزه‌های دینی در بعد فقهی و حقوقی و نیز تحلیل روش‌های حکومت داری می‌توان به شروطی اشاره کرد که وجود آن‌ها برای اعمال حق بر هدایت ضروری است. برخی عاملیت نسبت به امر هادی را شرط ذاتی آن تلقی می‌کنند و برای آن حدیثی از پیامبر اکرم (ص) را بیان می‌کنند که فرموده‌اند: «آئتموا بالمعروف و أمروا به و

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

تناهوا عن‌المنکر و انهواعنه»، به معروف عمل کنید و به آن امر و فرمان دهید. از منکر دست بکشید و دیگران را نیز از آن باز دارید (الاحمدی، ۱۹۸۰: ۱۵۰). البته در اعمال حق بر هدایت میان دولت و حاکمیت و افراد باید قائل به تمایز شد، چرا که در حکومت دینی که قوانین آن بر مبنای دین استوار شده باشند، اجرای احکام دینی توسط دولت تضمین شده است و این تکلیف قطعاً تا زمانی است که شروط چهارگانه اجرای قواعد فوق‌الذکر فراهم باشند: علم، ابزار اجرای دقیق و عدم وجود مفسده. توضیح آنکه در قواعد مربوط به هدایت فقها شرایطی قائل شده‌اند که جنبه فردی دارد و در رابطه با جامعه اعمال می‌شود و فرد باید با ملاحظه آن‌ها وظیفه دینی خود را عمل نماید:

۱. علم به معروف و منکر و شناخت موضوع هدایت،

۲. احتمال تأثیر،

۳. اصرار بر گناه طرف دیگر،

۴. نداشتن مفسده (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۴۷۵-۴۷۶).

طبیعی است شرط دوم و سوم در مورد حکومت اسلامی که خود بر مبنای این قواعد و برای اجرای احکام اسلامی شکل گرفته است منطقی نیست الا زمانی که اجرای آن‌ها به دلیل دو عامل زمان و مکان باعث ایجاد یا افزایش مفسده یا بحران‌های اجتماعی باشد (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۱۱). در حکومت‌های غیر یا ضددینی که میان نظام‌های فرهنگی ـ حقوقی آزادی دینی (سکولاریسم)[1] و برابری دینی (لائیسیته)[2] و خصومت دینی (لائیسیسم)[3] در نوسان می‌باشند، بین آزادی حق بر هدایت (سکولاریسم) و منع نسبی (در نظام لائیک) یا کامل آن (در نظام لائیست)، صرفاً در اماکن دولتی و حاکمیتی (در نظام لائیک) و یا فضای عمومی جامعه (نظام لائیست) اختلاف نظر وجود دارد (Monond, 2007: 67). در این نظام‌ها، بسته به سیاست‌های حقوقی ـ فرهنگی حاکم بر جامعه که سیاست‌های مبتنی بر جهانگرایی فرهنگی (Universalisme)، تکثرگرایی (Multiculturalisme) و اجتماع یا فرقه‌گرایی (Communautarisme) است، حکومت در مقابل دعوت، تبلیغ و حق بر هدایت واکنش‌های مختلفی از خود نشان می‌دهد (Dufoix et Policar, 2023: 70)، مثلاً در جامعه فرانسه اساساً اعمال این حق با تندروی و افراط و سختگیری‌های غیرمنطقی و غیرقانونی همراه است

1. Sécularisme / Secularism
2. Laïcité / Laicity
3. Laïcisme / Laicism

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

(Boukerche, 2024: 30). طبعاً در این نظام‌ها که خود عاملیتی نسبت به دین نداشته و بر قاعده «جدایی دین از دولت» تکیه می‌کنند، در تئوری هیچ اندیشه دینی مورد حمایت قرار نمی‌گیرد، ولی در عمل به ابزار استقرار عقیده «جدایی دین» از دولت (سکولاریسم و لائیسیته) یا حتی از جامعه (لائیسیسم) و به دین رسمی دولت مبدل شده و برای دفاع از آن بسیاری از آزادی‌های دینی قانونی که از پشتوانه قانون اساسی (*قانون اساسی فرانسه*، ۱۹۵۸، اصل اول) و قوانین بین‌المللی و حقوق بشری (*اعلامیه جهانی حقوق بشر*، ۱۹۴۸، ماده دوم) برخوردارند، را زیر پا می‌گذارند. در این قبیل نظام ها، آزادی دینی و آزادی اعمال حق بر هدایت حداقل‌هائیست که بطور محدود و نسبی رعایت می‌شود، اما نه بعنوان تکلیف حاکمیتی بلکه تنها بعنوان حق شهروندی بر آزادی گرایش به یک دین یا مذهب یا عقیده.

حق بر هدایت در اسناد حقوقی

«حق بر هدایت» که تکمیل‌کننده اصول آزادی دینی و ملزمات آن است در اسناد حقوقی بین‌المللی، قوانین اساسی و بالادستی بسیاری از کشورها و قوانین داخلی برخی کشورها مورد تأکید واقع شده است.

۱. اسناد حقوقی بین‌المللی

در «اعلامیه جهانی حقوق بشر» (۱۹۴۸)، علاوه بر بند اول ماده دوم که بر آزادی عقیده و مذهب و بیان آن‌ها و بنوعی بر آزادی بهرمند شدن و بهمرند ساختن دیگران از عقاید دینی و مذهبی که لوازم آزادی عقیده و بیان می‌باشند تأکید می‌کند، در ماده ۱۹ خود صریحا به حق بر هدایت از طریق «کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن» صحه می‌گذارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن بتمام وسائل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد». طبیعی است با تکیه بر اصل کسب اطلاعات و افکار و امکان اخذ و انتشار آنها، فضای مناسب ترویج حقیقت ممکن می‌شود. همچنین، ماده ۲۶ که بر توسعه «پرورش» (هدایت معنوی) در کنار «آموزش» (هدایت مادی) تأکید دارد، صراحتا تأکید می‌کند که «آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را بحد کامل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

کند...». بند ۱ ماده ۲۹ این اعلامیه نیز بنوعی بر مسئولیت افراد در جامعه خود این مسیر تأکید می‌کند: «هر کس در مقابل آن جامعه‌ای که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد مسئول است».

همچنین مطابق بند ۱ ماده ۱۳ «کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» (۱۹۶۶)، که بر توسعه فردی و اجتماعی در تمام ابعاد بخصوص شخصیتی و حیثیت انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد: «کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. کشورهای مزبور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمو کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد...». بهمین ترتیب، بند ۳ همین ماده با اشاره به «نقش والدین در آموزش و پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات شخصی» آنها، بر حق بر هدایت خانوادگی افراد تأکید می‌کند: «کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین یا سرپرست قانونی کودکان را بر حسب مورد در انتخاب مدرسه برای کودکانش سوای مدارس دولتی محترم بشمارند مشروط بر این که مدارس مزبور با حداقل موازین (قواعد) آموزش و پرورش که ممکن است دولت تجویز یا تصویب کرده باشد مطابقت کند و آموزش و پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات شخصی والدین یا سرپرستان آنان تأمین گردد».

همین موارد، یعنی آزادی فکر و وجدان و مذهب و به‌خصوص آزادی ابراز فردی و اجتماعی حقیقت (حکومتی یا سازمانی و نهادی) در بند ۱ ماده ۱۸ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (۱۹۶۶) مورد تأکید قرار گرفته است: «هر کس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی ـ داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه به‌طور فردی یا جماعت خواه به‌طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد». بند ۳ این ماده نیز تأکید می‌کند: «آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی نمود مگر آنچه منحصراً به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد»، این ماده البته دخالت مثبت (حفظ نظم عمومی) یا منفی (محدودیت‌های افراطی آزادی مذهبی) دولت‌ها در آزادی‌های مذهبی و اعتقادی را ممکن می‌سازد،

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

همان‌طورکه قوانین برخی کشورها به بهانه نظم عمومی، پوشش آزاد مذهبی را محدود می‌سازند (Loi interdisant le voile dans les écoles, 2004). بدین‌ترتیب، اسناد حقوق بین‌المللی، نه‌تنها نافی نقش دولت‌ها در این روند توسعه فردی و اجتماعی مذهبی ـ فرهنگی ـ اخلاقی نیست، بلکه تبیین نقش دولت‌ها در این زمینه نیز از متن آن‌ها به سهولت قابل برداشت است، اما واضح است که در نظام‌های سیاسی نقش افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مدنی بسیار پررنگ بوده و مورد تأیید سازمان ملل متحد می‌باشد.

۲. حق بر هدایت در قوانین ایران و فرانسه

دو نظام سیاسی ـ حقوقی ایران و فرانسه به لحاظ رابطه با دین، به‌عنوان دو نظام متضاد و بعضاً متخاصم تلقی می‌شوند: در ایران، جمهوری اسلامی، براساس یک نظام دینی شکل گرفته و در پی استقرار نظام اسلامی است و شعار آن «تداخل دیانت در سیاست و جامعه» می‌باشد، در حالی که در فرانسه تحولات تاریخی آن را به سوی استقرار یک نظام لائیک با هدف «جدایی دین از دولت» سوق داده‌اند (Marchand, 2002: 28)، گرچه در اعمال این نظام تندروی به خصوص علیه اسلام و مسلمانان بسیار مشهود است (Geisser, 2003: 45). بنابراین بررسی نگرش این دو نظام متضاد در باب حق بر هدایت می‌تواند برای یک پژوهنده جالب و قابل تأمل باشد.

۲-۱. حق بر هدایت در قانون اساسی ایران

در مقدمه قانون اساسی ج.ا.ا. (۱۳۶۸) که هدف و جهت حکومت اسلامی را نشان می‌دهد، آمده است: «و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (والی‌الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خودگونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله)...»، طبیعی است که این جهت جز با ایجاد نظام مبتنی بر هدایت محقق نخواهد شد. در جای دیگر مقدمه آمده است: «بر چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهانشمول اسلامی پرورش یابد». همچنین در باب قانونگذاری توسط صالحان بر مبنای اسلام تأکید شده است: «... و قانون‌گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت، جریان می‌یابد». همین اصول در

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

بسیاری از اصول قانون اساسی تأکید مکرر شده است: تأکید بر اسلامی بودن نظام جمهوری اسلامی (اصل ۱۲)، لزوم تصویب قوانین بر مبنای اسلام (اصول ۴، ۷۲ و ۸۵)، قسم رئیس قوه مجریه بر روی قرآن برای صیانت از اسلام و مذهب رسمی کشور (اصل ۱۲۱) و تغییرناپذیر بودن مذهب رسمی کشور (اصل ۱۷۷). در بخش دیگری از مقدمه، تلاش امام جامعه (ولی فقیه) در جهت هدایت این جامعه بسمت اسلام مورد توجه قرار گرفته است و او را «ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود» معرفی می‌نماید. قانون اساسی در اصول دیگر به نقش خانواده بر توسعه اخلاق اسلامی (اصل ۱۰) و ضرورت آموزش و پرورش (اصل ۳۰) در تحقق اهداف جمهوری اسلامی که استقرار اسلام حقیقی است تأکید می‌کند.

در باب اصل حق بر هدایت بایستی به بندهای اول، دوم، چهارم، هفتم و هشتم اصل سوم قانون اساسی نگاه ویژه داشت که می‌گوید: « دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

۲. بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.

۴. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

۷. تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۸. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش».

و در نهایت باید به اصل هشتم قانون اساسی اشاره کرد که دقیقاً سخن از قاعده حق بر هدایت است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت ...». بر این اساس، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر برخورداری جامعه خود از حق بر هدایت صراحتاً تأکید می‌نماید. همچنین، در رابطه با آموزش‌های دینی اقلیت‌های دینی و مذهبی، اصل ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی بیان می‌دارند: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند»، «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هریک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب».

۲-۲. حق بر هدایت در قانون اساسی فرانسه

در قانون اساسی فرانسه که شعار آن «آزادی، برابری و برادری» است (اصل ۲) اصل یکم قانون اساسی فرانسه به آزادی همه افراد از هر فرقه، نژاد و دین در مقابل قانون و احترام به همه اعتقادات اشاره می نماید. طبعاً، ضرورت آزادی دینی، لزوم آموزش و پرورش و اشاعه اعتقادات در جامعه یا دست‌کم در خانواده می‌باشد. به جز این مورد که نیازمند تفسیر در موارد ارجاع قانونی یا قضایی است (در صورت بروز اختلاف یا مقاومت در برابر حق)، قانون اساسی فرانسه فاقد قاعده یا مطلب دیگری است که بتواند به‌عنوان ضمانت اجرای حق بر هدایت تلقی شود، تنها می‌توان به اصل ۱-۶۱ قانون اساسی فرانسه که در خلال بازنگری قانون اساسی در تاریخ ۲۳ ژوئیه سال ۲۰۰۸ به تصویب رسیده است، اشاره کرد که تأکید می‌کنند، در زمانی که تعرض به آزادی‌های اشخاص صورت می‌گیرد، هر فردی می‌تواند به «شورای قانون اساسی» مراجعه نماید و رای قضایی آن‌ها را درخواست نماید: « هنگامی که در جریان دادرسی در دادگاه، استدلال شود که یک ماده قانونی، حقوق و آزادی‌های تضمین شده توسط قانون اساسی را نقض می‌کند، شورای قانون اساسی می‌تواند موضوع را با ارجاع از شورای دولتی یا دادگاه تجدید نظر که ظرف مدت معین تصمیم می‌گیرد، ارجاع دهد». در قانون آمده است که در صورتی که ارجاع پرونده از شورای دولتی یا دادگاه تجدید نظر در فرصت سه ماهه صورت نگیرد، فرد مجاز است خود مستقیماً به شورای قانون اساسی مراجعه نماید (Conseil constitutionnel, 17 juillet 2025). با این حال، نگرش حاکم بر اسلام در جامعه

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

فرانسه که به تمام بخش‌های حقوقی و قضایی فرانسه ازجمله شورای قانون اساسی قابل اشاعه است، باعث می‌شود که آراء صادره عموماً به سود اسلام و مسلمانان نباشد. به‌طور مثال، شورا در رأی ۱۷اکتبر سال ۲۰۱۰ شورای قانون اساسی در مورد: «قانون ممنوعیت پنهان کردن صورت در فضای عمومی» (استفاده از حجاب برقع)، به ممنوعیت برقع برای زنان مسلمان رأی داده و آن را بر قانون اساسی منطبق دانسته است (Décision n 2010-613 DC du 7 octobre 2010). با این حال، قانون اساسی در مواردی که بتوان برهان‌های قانونی دقیقی را در دفاع از حقوق دینی و مذهبی اقامه کرد، مراجعه به شورای قانون اساسی را به‌طور غیرمستقیم برای افراد عادی نیز ممکن کرده است (Articles 61-1 de la Constitution française, révisés en 2008).

۳. حق بر هدایت در قوانین داخلی ایران و فرانسه

بررسی قوانین داخلی ایران و فرانسه برای بررسی جایگاه حق بر هدایت در این جوامع به‌عنوان دو جامعه متضاد در بحث ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و حقوقی می‌تواند برای هر پژوهشگر حقوقی حاوی نکات جالبی باشد.

۱-۳. حق بر هدایت در قوانین داخلی ایران

با توجه به آموزش‌های گسترده دینی در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای ضرورت آشنایی جوانان مسلمان با دین و مذهب خود، مقاومتی در برابر حق بر هدایت نمی‌شود و حتی در مورد اقلیت‌های دینی و مذهبی، قوانین ایران آزادی آموزش دین و مذهب برای اقلیت‌ها در مدارس را نیز به رسمیت شناخته است (قانون اساسی، ۱۳۶۸، اول ۱۳ و ۱۴). بدین‌ترتیب، در اسناد بالادستی و قوانین داخلی ایران حق بر هدایت بسیار شفاف مطرح و مورد دفاع قرار گرفته است. در «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴» (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۲)، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» (۱۳۹۰)، «قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران» (مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳) و سایر اسناد ملی بر حق بر هدایت در قالب‌های زیر پرداخته شده است: «اهتمام به تقویت فرهنگ و هویت اسلامی ـ ایرانی» در محتوای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان و همچنین «تبیین اندیشه دینی ـ سیاسی امام‌خمینی (ره) در مقاطع مختلف تحصیلی»، «توسعه فرهنگ و معارف اسلامی، یادگیری قرآن و تقویت انس دانش‌آموزان با سیره معصومین علیهم‌السلام» و

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

«رشد بینش دینی دانش‌آموزان». در این زمینه، می‌توان به تأسیس «ستاد انقلاب فرهنگی» که بعدها به «شورای عالی انقلاب فرهنگی» (۱۳۵۹ و ۱۳۶۳) تغییر نام داد اشاره که در ضمن تصویباتش ضمن تأکید بر « تعیین خط مشی فرهنگی آینده دانشگاه‌ها، دبیرستان‌ها و دیگر مراکز آموزشی»، به اهداف اصلی خود چنین اشاره می‌کند: «گسترش و نفوذ فرهنگ اسلامی در جامعه، تزکیه محیط‌های علمی و فرهنگی و ...» (مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱).

علاوه بر این، تصویب « قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» (۱۳۹۴) در جهت تأمین امنیت و دفاع قانونی از آمران به معروف و نهی از منکر بر جایگاه حق بر هدایت در ایران تأکید بیشتری کرده است، به نحوی که مطابق ماده ۷ این قانون: «مجازات اشخاصی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به آمر به معروف و نهی از منکر نمایند، قابل تخفیف و یا تعلیق نیست و صدور حکم مجازات قابل تعویق نمی‌باشد». همچنین، مطابق تبصره واحده ماده ۱۱، «آمران به معروف و ناهیان از منکر مشمول حمایت‌های قضایی موضوع ماده (۴) قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱ مجلس شورای اسلامی می‌گردند». در ماده ۸ این قانون بر حق بر هدایت در سطوح عالی کشور صراحتاً تأکید شده‌است: «مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چارچوب شرع و قوانین می‌توانند نسبت به مقامات، مسئولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، امر به معروف و نهی از منکر کنند».

۲-۳. حق بر هدایت در قوانین فرانسه

در فرانسه نیز قوانین بالادستی با تأکید بر نظام لائیک و جدایی دین از دولت عموماً در جهت بی‌طرفی نسبت به حق بر هدایت حرکت می‌کنند، گرچه تأکید بر بی‌طرفی دولت می‌تواند فضا را برای افراد یا نهادهای رسمی حقوقی در استفاده از این حق مناسب کند. در ماده ۱۱ سند «قانون ۱ ژوئیه ۱۹۰۱ در رابطه با قرارداد اتحادیه‌ای» (مصوب ۱۹۰۱)، بر آزادی عمل اتحادیه‌ها و انجمن‌های فرهنگی تأکید شده است. در ماده ۱۳ آن نیز چنین آمده است: «هر

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

جماعت مذهبی می‌تواند با حکم صادره به توصیه شورای دولتی به رسمیت شناخته شود ...».
همچنین بر مبنای «قانون ۹ دسامبر ۱۹۰۵ در مورد جدایی کلیسا از دولت (قانون مشهور لائیسیته)» (۱۹۰۵)، مدارس دینی دولتی حذف شده و اشاعه و حمایت دولت از همه ادیان و مذاهب برداشته شد، گرچه آزادی دینی و مذهبی برسمیت شناخته شد. برهمین مبنا، «انجمن‌های فرهنگی» و «دینی (یا مذهبی)» یا «انجمن‌های فعالیت ترکیبی» با رعایت قوانین بالادستی مذکور می‌توانند در فرانسه تأسیس شده و با حفظ قانون اساسی، نظم عمومی و اخلاق حسنه، تبلیغ دینی را تنها در بخش‌های عمومی یا خصوصی جامعه بر عهده گیرند و گرچه از کمک مالی دولت بی‌بهره‌اند، اما از بخشش‌ها و معافیت‌های مالیاتی قابل توجهی در مورد فعالیت‌های آن‌ها یا کمک‌های دریافتی برخوردارند، متأسفانه «قانون منع حجاب در مدارس فرانسه»[1] در سال ۲۰۰۴ به بهانه مقابله با افراط‌گرایی اسلامی، در فرانسه تصویب شد و باعث فشار روحی و روانی به دختران مسلمان و خانواده‌های آن‌ها که فقط خواستار رعایت حجاب اسلامی هستند، شده است. فعالیت‌ها و اعتراض‌های گسترده مردمی، انجمنی، برخی احزاب سیاسی و ... تاکنون نتوانسته باعث حذف این قانون شده، گرچه مانع گسترش حجاب نیز نشده است (Amnesty international, 18 février 2025). اخیراً نیز تحرکی برای ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌ها و به‌خصوص ورزش آغاز شده است تا مانع گسترش حجاب در میان دانشگاهیان و ورزشکاران زن بشوند (Le figaro, 20 avril 2025). این محدودیت‌ها برخلاف قوانین آمره، قوانین بالادستی و اساسی و حقوق مسلم اقلیت‌های دینی و مذهبی تلقی می‌شوند.

نتیجه‌گیری

حق بر هدایت، برخلاف تصور بسیاری از افراد، نه‌تنها یکی از مصادیق حقیقی حقوق انسان تلقی می‌شود و حتی می‌تواند به‌عنوان حق حیات معنوی مکمل حق حیات مادی بشر انگاشته شود، بلکه بایستی به‌عنوان تکلیف هر نظام‌های سیاسی، حتی در نظام‌های مبتنی بر لائیسیته و سکولاریسم، در نظر گرفته شود که خواهان سعادت مادی و معنوی اعضای جامعه خود می‌باشد. گرچه این نظام‌ها به اسم جدایی دین از دولت یا حتی جامعه، خواهان بی‌طرفی

1. LOI n 2004-228 du 15 mars 2004 encadrant, en application du principe de laïcité, le port de signes ou de tenues manifestant une appartenance religieuse dans les écoles, collèges et lycées publics.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

دولت در مسیر سعادت اخروی انسان می‌باشند. همان‌طورکه در این مقاله نشان داده شد، حق بر هدایت نه‌تنها در اسناد حقوقی بین‌المللی، بلکه در اسناد قانون اساسی و سایر اسناد قانونی بالادستی و عادی غالب کشورها مورد تأیید قرار گرفته است. در ایران و فرانسه که دارای دو نظام حقوقی متضاد در رابطه با دین و مذهب می‌باشند، نیز حق بر هدایت، صریحاً یا تلویحا مورد تأیید قرار گرفته است. مطابق این مقوله، حق دعوت، تبلیغ و مسئولیت فردی، اجتماعی و بعضاً دولتی در اشاعه مفاهیم دینی و ارزشی باید به رسمیت شناخته شود و نهادهایی که این مسئولیت را بر عهده دارند اساساً باید مورد حمایت قرار گیرند، در غیر این صورت خوانش خاصی از دین و مذهب که با حقیقت ذاتی آن در تعارض است می‌تواند ناخواسته در جامعه ترویج شود و به اعتدال و آرامش آن لطمه وارد نماید. لذا نظام‌های سیاسی ناچار هستند با برسمیت شناختن حق بر هدایت و نهادهای قانونی مروج آن، از افول معنوی جامعه جلوگیری کنند، مگر آنکه خواسته یا ناخواسته، مسیر نادرستی را برای هدایت نوع بشر در نظر گرفته باشند.

منابع

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- نهج‌البلاغه.
- احمدی میانجی، علی. (۱۳۶۳). *مکاتیب الرسول*، قم: انتشارات یس.
- اداره کل قوانین و مقررات کشور. (۱۳۷۲). مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، چاپ اول، ج ۱، تهران: مؤسسه اطلاعات.
- الآمدی، عبدالواحد. (۱۹۸۷). *غررالحکم و دررالکم*، ج ۱، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- پاکتچی، احمد و جابری، امیر. (۱۳۸۰). *جایگاه امر به معروف در دانش فقه*، ج ۱۰، تهران، دائرةالمعارف فقه اسلامی.
- حر عاملی، محمد ابن حسن. (۱۴۰۴ ق). *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسهٔ آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.
- خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۹). *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خندان، محسن. (۱۳۷۴). *تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی*، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

- رشاد، محمدحسین. (۱۴۰۱). *در محضر بهجت*، ج ۲. تهران: فیض فرزان.
- الشعیری، محمد. (۱۳۷۴ ق). *جامع‌الاخبار*، نجف: مطبعه‌الحیدریه.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). *مسالک‌الافهام فی شرح شرائع الاسلام*، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة.
- عبدالباقی، محمدفؤاد. (۱۹۳۹). *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، قاهره: دارالکتب المصریه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۶ ق). *بحارالانوار*، قم: مؤسسه دارالکتب اسلامیه.
- محقق حلی، جعفر. (۱۴۰۸ ق). *شرایع‌الاسلام فی مسائل الحَلال و الحَرام*، ج ۱، قم: مؤسسة اسماعیلیان.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۹۳). *قواعد فقه: بخش جزائی*، ج ۴، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی، علی. (۱۳۸۷). *شرح اصول فقه*، ج ۴، قم: دارالفکر، ۱۳۸۷.
- منتظری، حسینعلی. (۱۴۰۸ق). *دراسات فی ولایة الفقیه و فقة الدولة الاسلامیه*، ج ۲، المرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.

ب) مقاله‌ها

- پاکتچی، احمد و مرادی، عبدالحمید. (۱۳۹۸) دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، بازبینی شده در ۲۱ فروردین ۱۴۰۴، https://cgie.org.ir/fa/article/245617/ دعوت.
- منصوری، بهمن. (۱۳۸۰). امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی(ع)، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۱۰، صص ۶۷-۳۰.
- مقدسی‌پور، علی. (۱۳۸۹). اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان، مجله معرفت، شماره ۷۵، صص ۴۲-۳۸.

ج) قوانین و اسناد حقوقی

- اعلامیه جهانی حقوق بشر، (۱۹۴۸).
- اعلامیه اسلامی حقوق بشر، (۱۹۹۰).
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب (۱۳۶۸).
- قانون اساسی فرانسه (۱۹۵۸) و اصلاحات بعدی.
- میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، (۱۹۶۶).
- میثاق حقوق مدنی و سیاسی، (۱۹۶۶).

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

1. Persian sources in English

A) Domestic and international legal documents

- Universal Declaration of Human Rights (1948). Adopted by the United Nations General Assembly, Resolution 217 A (III), Paris.
- Cairo Declaration on Human Rights in Islam (1990). Adopted by the Organization of Islamic Cooperation (OIC), Cairo.
- Constitution of the Islamic Republic of Iran (1989, as amended). Tehran.
- Constitution of the French Republic (1958, as amended). Paris.
- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR) (1966). Adopted by the United Nations General Assembly, New York.
- International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR) (1966). Adopted by the United Nations General Assembly, New York.

B) Books

- Ahmadi Mianji, Ali (1984). *Makatib al-Rasul* [Letters of the Prophet]. Qom: Yass Publications.
- Office of National Laws and Regulations (1993). *Collection of Resolutions of the Supreme Council of the Cultural Revolution*, 1st ed., Vol. 1. Tehran: Ettela'at Institute.
- Al-Amidi, Abd al-Wahid (1987). *Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim* [Maxims and Pearls of Wisdom], Vol. 1. Beirut: Al-A'lami Publications.
- Pakatchi, Ahmad & Jaberi Amir (2001). *The Status of Enjoining Good (Amr bi al-Ma'ruf) in Jurisprudential Knowledge*, Vol. 10. Tehran: Encyclopedia of Islamic Jurisprudence.
- Al-Hurr al-'Amili, Muhammad ibn Hasan (AH 1404). *Wasa'il al-Shi'a*. Qom: Al al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage.
- Khomeini, Ruhollah (2000). *Tahrir al-Wasila*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khandan, Mohsen (1995). *Islamic Propagation and the Science of Social Communication*. Tehran: Publishing Center of the Islamic Propagation Organization.
- Rashad, Mohammad Hossein (2022). *In the Presence of Behjat*, Vol. 2. Tehran: Feyz-e Farzan Publications.
- Al-Sha'iri, Muhammad (AH 1374). *Jami' al-Akhbar*. Najaf: Al-Haydariyya Press.
- Shahid Thani (Zayn al-Din ibn 'Ali) (AH 1413). *Masalik al-Afham fi Sharh Shara'i' al-Islam*. Qom: Mu'assasat al-Ma'arif al-Islamiyya.
- 'Abd al-Baqi, Muhammad Fu'ad (1939). *Al-Mu'jam al-Mufahras li Alfaz al-Qur'an al-Karim* [Concordance of the Qur'an]. Cairo: Dar al-Kutub al-Misriyya.
- Majlisi, Mohammad Baqer (AH 1376). *Bihar al-Anwar*. Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyya Institute.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

- Muhaqqiq al-Hilli, Ja‘far (AH 1408). *Shara’i‘ al-Islam fi Masa’il al-Halal wa al-Haram*, Vol. 1. Qom: Isma‘ilian Institute.
- Mohaqqeq Damad, Mostafa (2014). *Rules of Islamic Jurisprudence: Criminal Law Section*, Vol. 4. Tehran: Center for the Publication of Islamic Sciences.
- Mohammadi, Ali (2008). *Commentary on the Principles of Islamic Jurisprudence*, Vol. 4. Qom: Dar al-Fikr.
-Montazeri, Hossein-Ali (AH 1408). *Studies on the Guardianship of the Jurist and the Jurisprudence of the Islamic State*, Vol. 2. Global Center for Islamic Studies.

2. English & French

A) Books

- The Holy Quran (Arabic).
- Nahj al-Balagha (Peak of Eloquence), compiled by Sharif al-Radi (Arabic).
- Ahmadi Miyanji, A. (1984), *Makātīb al-Rasūl* [Letters of the Prophet], Qom: Yas Publications (Persian).
- National Conference of Laws and Regulations. (1993), *Majmū‘eh-ye Musavvabāt-e Shūrā-ye ‘Āli-ye Enqelāb-e Farhangi* [Collection of Approvals of the Supreme Council of the Cultural Revolution] (Vol. 1), Tehran: Mo’asseseh-ye Ettela‘at (Persian).
- Al-Āmidi, A. (1987), *Ghurrar al-Hikam wa Durrar al-Kalim* [Pearls of Wisdom and Gems of Words] (Vol. 1), Beirut: Al-A‘lami Institute for Publications (Arabic).
- Pakatchi, A., & Jaberi, A. (2001), *Jāygāh-e Amr be Ma‘rūf dar Dānesh-e Feqh* [The Position of Enjoining Good in Jurisprudential Knowledge] (Vol. 10), Tehran: Islamic Jurisprudence Encyclopedia (Persian).
- Hurr ‘Āmili, M. ibn H. (1983), *Wasā’il al-Shī‘a* [Means of the Shi‘a], Qom: Āl al-Bayt Institute for Revival of Heritage (Arabic).
- Khomeini, S. R. (2000), *Tahrir al-Wasila* [Exposition of the Means], Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini’s Works (Arabic).
- Khandan, M. (1995), *Tablīgh-e Eslāmi va Dānesh-e Ertebātāt-e Ejtemā‘i* [Islamic Propagation and Social Communication Knowledge], Tehran: Islamic Propagation Organization Printing and Publishing Center (Persian).
- Rashad, M. H. (2022), *Dar Mahzar-e Bahjat* [In the Presence of Bahjat] (Vol. 2), Tehran: Feyz-e Farzan (Persian).
- Al-Shu‘ayri, M. (1965), *Jāmi‘ al-Akhbār* [Collection of Narrations], Najaf: Al-Haydariyya Press (Arabic).
- Shahīd Thāni, Z. ibn A. (1992), *Masālik al-Afhām fī Sharh Sharā’i‘ al-Islām* [Pathways of Understanding in Explaining the Laws of Islam], Qom: Islamic Knowledge Institute (Arabic).

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

- Abd al-Bāqi, M. F. (1939), *Al-Mu'jam al-Mufahras li-Alfāz al-Qur'ān al-Karīm* [Indexed Dictionary of Qur'anic Terms], Cairo: Dar al-Kutub al-Misriyya (Arabic).
- Majlisi, M. B. (1967), *Bihār al-Anwār* [Oceans of Light], Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyya (Arabic).
- Muhaqqiq Hilli, J. (1987), *Sharā'i' al-Islām fī Masā'il al-Halāl wa al-Harām* [Laws of Islam Concerning Permissible and Forbidden Matters] (Vol. 1), Qom: Esma'iliyan Institute (Arabic).
- Muhaqqiq Damad, M. (2014), *Qavā'id-e Feqh: Bakhsh-e Jazā'i* [Jurisprudential Rules: Penal Section] (Vol. 4), Tehran: Islamic Sciences Publishing Center (Persian).
- Mohammadi, A. (2008), *Sharh-e Usūl-e Feqh* [Explanation of Principles of Jurisprudence] (Vol. 4), Qom: Dar al-Fikr (Persian).
- Montazeri, H. A. (1987), *Dirāsāt fī Wilāyat al-Faqīh wa Fiqh al-Dawla al-Islāmiyya* [Studies in the Guardianship of the Jurist and Jurisprudence of the Islamic State] (Vol. 2), Qom: Global Center for Islamic Studies (Arabic).
- Boukerche, A. (2024), *Contested Universalism: The West under Fire from Criticism*, Paris: Editions Apogées (French).
- Monod, J.-C. (2007), *Secularization and Laicity*, Paris: PUF (French).
- Marchand, R. (2002), *France in Danger of Islam: Between Jihad and Reconquista*, Paris: Le Trident (French).
- Dufoix, S., & Policar, A. (2023), *Universalism in Debate(s)*, Paris: Editions Le Bord de l'Eau (French).

B)Articles

- "Ban on Wearing the Veil at University: The Government Will Not Adopt Bruno Retailleau's Idea," accessed April 20, 2025, on the website: https://etudiant.lefigaro.fr/article/etudes/interdiction-du-port-du-voile-a-l-universite-le-gouvernement-ne-reprendra-pas-l-idee-de-bruno-retailleau-20250110/ (French).
- "France: Banning the Hijab", in: All Sports Would Violate Human Rights and Specifically Target Muslim Women and Girls, Amnesty International, February 18, 2025, on the website: https://www.amnesty.org/fr/latest/news/2025/02/france-hijab-ban-in-all-sports-would-violate-human-rights-and-target-muslim-women-and-girls/ (French).
- "How to Seize the Constitutional Council?" accessed April 17, 2025, on the website: https://www.conseil-constitutionnel.fr/le-conseil-constitutionnel/comment-saisir-le-conseil-constitutionnel (French).
- Janjar, Mohamed-Sghir (2013), "Proselytism and/or Da'wa: Reflections on the Case of Islam," Histoire, Monde et Cultures Religieuses, No. 28, pp. 141-152 (French).

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]

C) Laws and legal documents
- Universal Declaration of Human Rights. (1948), United Nations (English).
- Cairo Declaration on Human Rights in Islam. (1990), Organisation of Islamic Cooperation (Arabic).
- Qānūn-e Asāsi-ye Jomhūri-ye Eslāmi-ye Irān [Constitution of the Islamic Republic of Iran]. (1989), Tehran: Islamic Consultative Assembly (Persian).
- Constitution de la République Française [Constitution of the French Republic]. (1958), Paris: Conseil Constitutionnel (French).
- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. (1966), United Nations (English).
- International Covenant on Civil and Political Rights. (1966), United Nations (English).

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-11-23]